

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه ۲

سطح ۲

درس ۶

استاد: حجت‌الاسلام والمسلمین امینی

آموزشیار: آقای سلگی

مقدمه

از آنجا که علم فقه دائماً با وحی در ارتباط است، یکی از شریف ترین علوم می باشد و در یک تقسیم بندی کلی به دو قسم عبادات و معاملات تقسیم می شود.

این علم در قسمت عبادات، بیشتر با وحی و کلمات معصومین در ارتباط است؛ زیرا عقل در موارد عبادات معمولاً حکمی ندارد؛ و به عبارت دیگر عقل توان درک امور عبادی را ندارد .

یکی از مهمترین عبادات در دین اسلام نماز می باشد که دارای احکام و شرایط بسیاری می باشد، از جمله شرایط نماز وقت می باشد، که ما در چند درس گذشته به بررسی این شرط پرداخته ایم. در درس قبل علائم زوال را بیان کردیم حال در این درس به بیان مراد از نیمه شب می پردازیم و در ادامه خواهیم گفت که اگر کسی قبل از احراز وقت، نماز بخواند نماز او صحیح نیست و در پایان نیز مستندات راه های احراز دخول وقت نماز را متذکر می شویم.

متن عربى

٥. واما ان المدار فى منتصف الليل إلى طلوع الفجر دون طلوع الشمس فللوجدان العرفى القاضى بعدم كون فترة ما بين طلوعين من الليل فلو قيل لشخص جئنى بالليل و جاء قبل طلوع الشمس بربع ساعة فانه لا يعدّ ممتثلاً. وفى صحیحة مرآزم عن أبى عبد الله عليه السلام: «متى اصلى صلاة الليل؟ فقال: صلها آخر الليل»^١

٦. اما بالنسبة إلى عدم الاجزاء مع عدم الاحراز فلقاعدة الاشتغال اليقيني يستدعى الفراغ اليقيني و لاستصحاب عدم دخول الوقت. اجل اذا اتضح بعد ذلك دخول الوقت اجزأ ما اتى به مع فرض تحقق القرية.

٧. اما ان دخول الوقت يثبت بالعلم فلحجته عقلا بل اليه تنتهى حجية كل حجة، و لولا حجته استحال اثبات اى حقيقة.

٨. اما ثبوت ذلك بالاطمئنان، فلانقضاء سيرة العقلاء على العمل به فى امورهم، وحيث لم يرد ردع الشرعى عنه فيثبت امضاه.

٩. و اما البيئنة فهى و ان لم يدل دليل على حجيتها فى خصوص المقام الا انه يمكن الاستدلال على حجيتها باحد الامرین:

الأول: التمسك بما دل على حجيتها فى باب القضاء كقوله صلى الله عليه و آله فى صحیحة هشام بن الحكم: «انما ألقى بينكم بالبيئات و الايمان»^٢ فانه و ان كان خاصاً بباب القضاء إلا انه يمكن تعديده ذلك إلى المقام بالأولوية. الثانى: رواية مسعدة بن صدقة عن أبى عبد الله عليه السلام: «كل شىء هو لك حلال حتى تعلم انه حرام بعينه فتدعه ... و الأشياء كلها على هذا حتى يستبين لك غير ذلك أو تقوم به البيئنة»^٣ فانه قد يستفاد منها حجية البيئنة فى جميع الموارد.

ثم ان البحث عن حجية البيئنة يكون له وجه بناء على عدم حجية خبر الثقة و الا فلا وجه له كما هو واضح.

١٠- اما حجية خبر الواحد الثقة و ان لم يكن عدلاً، فذلك للسيرة العقلانية لتي لم يردع عنها شرعاً فتكون ممضاه.

١١. و اما اذان الثقة العارف فالمعروف حجيته لأنه من مصاديق خبر الثقة و لبعض النصوص الخاصة من قبيل صحیحة ذريح المحاربى: «قال لى أبو عبد الله عليه السلام: صل الجمعة باذان هؤلاء فانهم أشد شىء مواظبة على الوقت»^٤.

١. وسائل الشيعه؛ باب ٤٥ از ابواب مواقيت، حديث ٦.

٢. وسائل الشيعه؛ باب ٢٢ از ابواب كيفيت حكم و دعوى حديث ١

٣. كافى؛ ج ٥، ص ٣١٣.

٤. وسائل الشيعه؛ باب ٩ از ابواب قبله حديث ١

مراد از نیمه شب

قبلاً بیان شد که مراد از «نیمه شب» این است که زمان بین اذان مغرب تا اذان صبح را نصف کنیم، نه اینکه از اذان مغرب تا طلوع خورشید را نصف کنیم.

دلیل مطلب

۱. لفظ «لیل» در نزد عرف به زمان ما بین اذان مغرب تا اذان صبح گفته می شود؛ به همین خاطر اگر مولی به عبدش بگوید: «شب پیش من بیا» و عبد یک ربع قبل از طلوع آفتاب پیش مولای خود برود، عرفاً امثال امر مولای خود را ننموده است.

۲- صحیحه مزارم، در این صحیحه راوی از حضرت سؤال می کند که «چه زمانی نماز شب را بخوانم؟ حضرت در جواب می فرماید: آخر شب بخوان»^۱ اگر فرض بر این باشد که شب تا زمان طلوع آفتاب باشد، باید بتوان نماز شب را بعد از اذان صبح خواند در حالی که این گونه نیست؛ بنابر این مراد از «لیل» در روایات نیز از اذان مغرب تا اذان صبح می باشد.

FG۱

دلیل اینکه معیار در نیمه شب زمان بین اذان مغرب تا اذان صبح است

۱. وجدان عرفی

۲. صحیحه مزارم

تطبیق

۵- و اما ان المدار فی منتصف اللیل إلى طلوع الفجر دون طلوع الشمس^۲ فللوجدان العرفی القاضی بعدم كون فترة ما بین طلوعین من اللیل فلو قیل لشخص جئنی باللیل و جاء قبل طلوع الشمس بریع ساعة فانه لا یعدّ ممثلاً. وفي صحیحة مزارم عن أبی عبد الله علیه السلام: «متی اصلی صلاة اللیل؟ فقال: صلها آخر اللیل»

^۱ - وسائل الشیعه؛ باب ۴۵ از ابواب مواقیط، حدیث ۶.

^۲ و اما القول الآخر فاستدل له بقوله تعالى: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ». فان الغسق عبارة عن شدة الظلمة و فسّر في الروایات بمنتصف اللیل، و واضح ان شدة الظلمة تتحقق في المنتصف بمعنى ما بین الغروب إلى طلوع الشمس و ليس بمعنى المنتصف بین الغروب و الفجر فانه ببزوغ الشمس تتنور الأشياء و تبلغ شدة ذلك حينما تصل الى خط نصف النهار ثم يأخذ بالضعف و تظلم الأشياء بالتدریج إلى ان تصل الشمس خط نصف اللیل من الجانب الثاني فتبلغ الظلمة أوجها. و بذلك یثبت ان المنتصف عبارة عن النصف من الغروب إلى طلوع الشمس. و فيه: ان المفروض تفسیر الغسق بشدة الظلمة لا بأشدّها، و معه فلا يتوقف تطبیق الغسق على نصف اللیل على إرادة المنتصف إلى طلوع الشمس. (دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی مذهب الجعفری؛ ج ۱، ص ۱۹۲).

اما اینکه معیار در تعیین نیمه شب تا اذان صبح می باشد، نه تا طلوع آفتاب، به خاطر این است که وجدان عرفی حکم می کند که مدت ما بین طلوع فجر (اذان صبح) تا طلوع آفتاب، جزء شب نمی باشد؛ بنابر این اگر به کسی گفته شود: «شب پیش من بیا» و او یک ربع قبل از طلوع آفتاب بیاید، امر را امتثال نکرده است. و در صحیح مزارم از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که از حضرت سوال شد «کی نماز شب بخوانم؟» حضرت فرمود: «آخر شب بخوان».

Sco ۱:۵:۳۸

حکم احراز دخول وقت نماز

قبلا بیان شد تا زمانی که دخول وقت نماز احراز نشده است، نمی توانیم نماز بخوانیم و اگر کسی قبل از احراز وقت، نماز بخواند نماز او مجزی نیست و باید آنرا اعاده کند.

دلیل بطلان نماز قبل از احراز دخول وقت نماز

برای ایم مطلب به دو دلیل تمسک شده است که در ذیل بیان می گردد:

۱. قاعده اشتغال

مقتضای قاعده اشتغال این است که هرگاه انسان نسبت به تکلیفی یقین پیدا کرد، یعنی یقین کرد که تکلیفی بر عهده او آمده است، باید نسبت به امتثال آن تکلیف و اینکه ذمه او نسبت به این تکلیف، فارغ شده است یقین حاصل کند.

در اینجا هم ما می دانیم بعد از دخول وقت، نمازی بر عهده ما واجب شده است، ولی نمی دانیم با نمازی که قبل از احراز دخول وقت خواندیم ذمه ما فارغ شد یا نه؟ چون احتمال دارد نماز را قبل از دخول وقت خوانده باشیم. در اینجا قاعده اشتغال حکم می کند که باید دوباره نماز را بخوانی تا یقین کنی تکلیفی که به عهده تو آمده بود را امتثال کرده ای.^۱

۲. استصحاب^۲

^۱ و الاشتغال فی اللغة: التلهی بشیء عن شیء أو هو ضد الفراغ. و الذمة فی اللغة: العهد و الضمان و الأمان، و منه قوله (علیه الصلاة و السلام): «و ذمة المسلمین واحدة یسعی بها أذناهم، فمن أخفر مسلما فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعین». و لا یخرج استعمال الفقهاء للاشتغال عن المعنی اللغوی.

أما الذمة، فهي عند بعضهم: وصف یصیر الشخص به أهلا لإیجاب الحقوق له و علیه، و هو ما یعبر عنه الفقهاء و الأصولیون بأهلیة الوجوب. و بعضهم عرفها: بأنها نفس لها عهد، و إن الإنسان یولد له ذمة صالحة للوجوب له و علیه، فهي محل الوجوب لها و علیها، و لعل تسمية النفس بالذمة من قبیل تسمية المحل لرأی النفس، بالحال لرأی الذمة. فمعنی اشتغال الذمة بالشیء عند الفقهاء: هو وجوب الشیء لها أو علیها، و مقابله: فراغ الذمة و براءتها، كما یقولون: إن الحوالة لا تتحقق إلا بفراغ ذمة الأصيل، و الكفالة لا تتحقق مع براءة ذمته. (معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیة؛ ج ص، ۱۸۹-۱۸۸).

^۲ استصحاب از اصول عملی می باشد و برای آن تعریف هایی ذکر شده است که برخی همه آنها را به یک تعریف برگردانده اند: حکم به بقای حکم شرعی یا موضوع حکم، که بقای آن مشکوک است. از این عنوان در اصول فقه، مبحث اصول عملی بحث شده است. پیشینه: پیشینه استصحاب از بعد مضمونی و دلیلی به عصر حضور برمی گردد؛ لیکن عنوان استصحاب از مصطلحات فقهای اصولی در عصر غیبت است. نخستین بیان صریح در این مورد بنابر آثار به دست آمده از فقیهان اصولی سخن شیخ مفید (م ۴۱۳ ه ق) در رساله اصولی متعلق به ایشان است. ماهیت:

تقریب استصحاب در اینجا این گونه است که قبل از نماز شک داریم که آیا وقت، داخل شده است یا نه، مقتضای استصحاب این است که وقت هنوز داخل نشده است؛ پس اگر کسی در زمان شک نماز بخواند طبق استصحاب صحیح نیست و باید دوباره نماز را اعاده نماید. زیرا یکی از شرایط صحت نماز، دخول وقت است و وقتی ما با استصحاب ثابت کردیم وقت داخل نشده است، اگر کسی در این حال نماز بخواند نماز را بدون یکی از شرایط آن خوانده است. بنابراین نماز او باطل است.

نکته

اگر بعد از نماز مشخص شود نمازی که خوانده در وقت بوده است، نماز او کفایت می کند؛ البته این در صورتی است که امکان تحقق قصد قربت وجود داشته باشد؛ مانند موردی که شخص بدون توجه به وقت نماز می خواند و بعد معلوم می شود که نماز را در وقت خوانده است. دلیل قید مذکور (امکان تحقق قصد قربت) این است که زمانی انسان می تواند قصد قربت بکند که امری به نماز تعلق گرفته باشد؛ ولی در صورتی که شخص، شک در دخول وقت داشته باشد یقین به تعلق امر به آن نماز برایش حاصل نشده است.

FG۲

۱. قاعده اشتغال

دلیل عدم اجزاء نماز قبل از احراز دخول وقت

۲. استصحاب

تطبیق

۶- اما بالنسبة إلى عدم الاجزاء مع عدم الاحراز فلقاعدة الاشتغال یستدعی الفراغ الیقینی و لاستصحاب عدم دخول الوقت.

اجل اذا اتضح بعد ذلك دخول الوقت اجزأ ما اتی به مع فرض تحقق القربة.

اما دلیل اینکه در صورت عدم احراز دخول وقت نماز، نماز باطل است به خاطر قاعده ای است که می گوید: اشتغال یقینی، مستدعی فراغ یقینی است و همچنین به خاطر استصحاب عدم دخول وقت است.

بله، اگر بعد از نماز مشخص شود نمازی که خوانده در وقت بوده است، نماز او کفایت می کند؛ البته در صورتی که نماز را با قصد قربت خوانده باشد.

راه های احراز دخول وقت

چندین راه برای احراز دخول وقت وجود دارد که در ذیل بیان می گردد:

در اینکه استصحاب، اصل است یا اماره، میان اصولیان اختلاف نظر وجود دارد. ظاهر کلمات اکثر اصولیان پیش از شیخ انصاری که استصحاب را حکم عقلی می دانستند قول دوم است؛ لیکن شیخ انصاری و اصولیان پس از وی، قول نخست را ترجیح دادند؛ زیرا از نظر آنان، عمده ترین دلیل اعتبار استصحاب، روایات است و از آنها چنین استفاده می شود که استصحاب حکم ظاهری است که در ظرف شک نسبت به حکم واقعی جعل شده است.

۱. علم، یعنی اینکه انسان علم به دخول وقت پیدا کند و از هر راهی هم که علم پیدا کند فرقی ندارد.
 ۲. اطمینان، یعنی انسان مطمئن باشد که وقت داخل شده است.
 ۳. بینه، یعنی دو نفر عادل شهادت به دخول وقت بدهند.
 ۴. اخبار شخص ثقه، یعنی کسی که مورد اعتماد است بگوید وقت داخل شده است و لازم نیست که شخص خیر دهنده عادل باشد.
 ۵. اذان شخص ثقه ای که مطلع از زمان نماز است، یعنی اگر کسی که مورد اعتماد و آگاه به زمان نماز است اذان بگوید، برای انسان احراز می شود که وقت نماز داخل شده است.
- مستندات حجیت این پنج راه
- دلیل حجیت علم: حجیت علم ذاتی است؛ زیرا علم به معنای دیدن واقع است و به همین جهت عقل حکم به حجیت علم می کند و اساساً حجیت هر چیزی با علم ثابت می شود و اگر علم حجت نباشد حجیت هیچ چیز قابل اثبات نخواهد بود.
- دلیل حجیت اطمینان: دلیل حجیت اطمینان، سیره عقلاء است؛ یعنی عقلاء در امور زندگی خود به اطمینان عمل می کنند و شارع هم از این سیره منع نکرده است؛ پس اطمینان از نظر شارع معتبر می باشد.
- دلیل حجیت بینه: برای حجیت بینه به دو دلیل تمسک شده است؛ البته دلیلی برای حجیت بینه در خصوص احراز وقت نماز وجود ندارد، ولی دو دلیل دیگر وجود دارد که از آنها می توان حجیت بینه در این مسأله را استفاده کرد و آن دو دلیل عبارتند از:

الف. طبق صحیح هاشم بن حکم بینه در باب قضاوت حجت است و وقتی شارع، بینه را برای قضاوت که امر مهمی است حجت قرار داده است، می توان استفاده کرد که بینه در احراز دخول وقت نماز که به مهمی بحث قضاوت نیست، به طریق اولی حجت است.^۱

ب. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر چیزی برای تو حلال است مگر اینکه یقین داشته باشی حرام است که در این صورت باید آن را ترک کنی... و همه اشیاء بر این حلیت هستند تا زمانی که برای تو غیر آن روشن شود و یا بینه ای بر غیر آن اقامه شود.» در این روایت حضرت بینه را به طور مطلق حجت قرار داده است؛ به این معنا که بینه بر

^۱ وجه الاولویة: فان جعل الحجیة لبینة المدعی المعارضة دائماً للقواعد الموافقة لقول المنکر من قبیل قاعدة الید و نحوها من الامارات العقلانیة يستلزم جعلها للبینة فی المقام الذی لیس فیہ معارض سوی استصحاب عدم دخول الوقت بالأولی. و نوقش ذلك بعدم القطع بالاولویة بعد احتمال ان تكون حجیة البینة فی باب القضاء لأجل فصل الخصومة الذی لولاه لاختل النظام و لیس لأجل كشفها عن الواقع لیقال بان حجیتها فی غیر المقام تستلزم حجیتها فی المقام لعدم الفرق لو لم یکن المقام اولی بالحجیة. (دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری؛ ج ۱، ص ۱۹۴-۱۹۳).

هر امری اقامه شد آن را ثابت می کند و این اطلاق شامل مسأله مورد نظر ما (احراز وقت نماز با بینه) هم می شود.^۱

نکته

استدلال به این ادله برای حجیت بینه طبق مبنائی است که خبر واحد ثقه را حجت ندانیم، والا دیگر نیازی به این ادله نیست زیرا هر بینه ای خود مشتمل بر خبر واحد ثقه است و اگر خبر واحد ثقه حجت باشد در نتیجه بینه نیز حجت خواهد بود.

دلیل حجیت خبر واحد ثقه: دلیل حجیت این قسم سیره عقلاء است و شارع هم از آن منع نکرده است بنا بر این مشخص می شود که خبر واحد ثقه در نزد شارع حجت است و الا اگر حجت نبود باید از عمل به آن نهی می کرد.

دلیل حجیت اذان ثقه واحد: برای حجیت اذان ثقه واحد، به دو دلیل تمسک شده است که عبارتند از: الف. علت حجیت خبر واحد ثقه این است که انسان را به واقع می رساند و در این جهت فرقی بین اخبار ثقه و اذان او نمی باشد و اذان ثقه هم در واقع یکی از مصادیق اخبار ثقه است.

ب. در صحیح ذریح محاربی حضرت فرمود: حتی با اذان اهل سنت هم می شود نماز خواند، زیرا آنها اهل مواظبت بر وقت نماز هستند. از این روایت هم می توان به خوبی استفاده کرد که اگر شخص ثقه ای که آگاه به اوقات نماز است اذان بگوید انسان می تواند نماز بخواند. FG۳

Sco۲:۱۸:۴۶

تطبیق

۷. اما ان دخول الوقت یثبت بالعلم فلحجیته عقلا بل الیه تنتهی حجیة کل حجة، و لولا حجیته استحال اثبات ای حقیقة.
۸. اما ثبوت ذلك بالاطمئنان، فلانعتاد سيرة العقلاء على العمل به فی امورهم، و حیث لم یرد ردع الشرعی عنه فیثبت امضاؤه.

۹. و اما البینة فهی و ان لم یدل دلیل علی حجیتها فی خصوص المقام الا انه یمکن الاستدلال علی حجیتها باحد الامرین:

الأول: التمسک بما دل علی حجیتها فی باب القضاء کقوله صلی الله علیه و آله فی صحیحة هشام بن الحکم: «انما أفضی بینکم بالبینات و الایمان»^۲ فانه و ان کان خاصاً بباب القضاء إلاً انه یمکن تعدیة ذلك إلی المقام بالأولویة.

^۱ . و نوقش الاستدلال بالروایة المذكورة بانها خاصة بمراد الشک فی الحل و الحرمة دون مثل المقام. مضافا الی احتمال کون المقصود من البینة معناها اللغوی و هو ما یتبین به الأمر لا شهادة العدلین فانه معنی اصطلاحی حادث. علی ان مسعدة لم تثبت وثاقته إلاً بناء علی کبری وثاقه کل من ورد فی کامل الزیارة. (دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری؛ ج ۱، ص ۱۹۴).

^۲ . وسائل الشیعه؛ باب ۲ از ابواب کیفیت حکم و دعوی، حدیث ۱.

الثانی: روایة مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله عليه السلام: «كل شيء هو لك حلال حتى تعلم أنه حرام بعينه فتدعه ... و الأشياء كلها على هذا حتى يستبين لك غير ذلك أو تقوم به البيّنة»^۱ فانه قد يستفاد منها حجية البيّنة في جميع الموارد.

ثم ان البحث عن حجية البيّنة يكون له وجه بناء على عدم حجية خبر الثقة و الا فلا وجه له كما هو واضح. اما اينکه دخول وقت با علم ثابت می شود به خاطر این است که علم عقلاً حجت است؛ بلکه حجیت هر حجّتی به علم منتهی می شود و اگر علم حجت نبود اثبات هر حقیقتی محال می شد. اما ثبوت دخول وقت با اطمینان به خاطر وجود سیره عقلاء بر عمل کردن به اطمینان در امور زندگی شان می باشد و از آنجائی که منع شرعی در مورد آن وارد نشده است، امضاء شارع ثابت می شود. اما ثبوت دخول وقت با بیّنه: هر چند دلیلی بر حجیت بیّنه در خصوص این مقام نداریم، ولی می توان با دو امر بر حجیت آن استدلال نمود:

یک: تمسک کردن به دلیلی که دلالت بر حجیت آن در باب قضاوت می کند؛ مانند سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در صحیح هاشم بن حکم که حضرت فرمود: «همانا من با بیّنه و قسم بین شما قضاوت می کنم.» این روایت اگر چه اختصاص به باب قضاوت دارد اما می توان آن را به طریق اولی به این بحث ما انطباق داد.

دو: روایت مسعدة بن صدقة از امام صادق (علیه السلام) است که حضرت فرمود: «هر چیزی برای تو حلال است، مگر اینکه یقین داشته باشی حرام است که در این صورت باید آن را ترک کنی ... و همه اشیا بر این حلیت هستند تا زمانی که برای تو غیر آن روشن شود و یا بیّنه ای بر غیر آن اقامه شود.» از این روایت نیز حجیت بیّنه در همه موارد ثابت می شود. بحث از حجیت بیّنه بنا بر عدم حجیت خبر ثقة وجیه می باشد، والا وجهی ندارد، همان طور که واضح می باشد.

۱۰. اما حجیة خبر الواحد الثقة و ان لم یکن عدلا، فذلک للسیرة العقلائیة التي لم یردع عنها شرعا فتكون ممضاة.^۲

۱۱. و اما اذان الثقة العارف فالمعروف حجیته لأنه من مصادیق خبر الثقة و لبعض النصوص الخاصّة من قبیل صحیحة ذریح المحاربی: «قال لی أبو عبد الله علیه السلام: صلّ الجمعة باذان هؤلاء فانهم أشدّ شيء مواظبة علی الوقت»^۳.

^۱ -کافی؛ ج ۵، ص ۳۱۳.

^۲ . هذا و يمكن أيضا استفادة حجیة خبر الثقة بشكل مطلق من صحیحة أحمد بن إسحاق حيث ورد فيها عن أبي الحسن علیه السلام: «العمری و ابنه ثقتان فما أدبیا إلیک عنی فعنی يؤدبان و ما قالاً لك فعنی یقولان فاسمع لهما و أطعهما فانهما الثقتان المؤمنان.

^۳ . و ذهب البعض إلى عدم حجیته لنصوص اخرى من قبیل صحیحة علی بن جعفر عن أخیه موسى علیه السلام: «فی الرجل یسمع الاذان فیصلی الفجر و لا یدری طلع أم لا غیر انه یظن لمكان الاذان انه طلع، قال: لا یجزیه حتی یعلم انه قد طلع.» و فیه: ان الروایة المذكورة و ان كانت صحیحة باعتبار ان الحرّ یقلها من کتاب علی بن جعفر و طریقہ إلیه صحیح حيث یمر بالشیخ الطوسی الذی له طریق صحیح إلیه فی الفهرست إلّا انها مطلقة من حيث كون المؤذن ثقة أو لا فیمکن حملها علی غیره خصوصا ان السائل فرض حصول الشک له فی دخول الوقت و العادة قاضیة بعدمه مع فرض الوثاقعة. (دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری؛ ج ۱، ص ۱۹۵)

اما حجیت خبر واحد ثقه هر چند که عادل هم نباشد به خاطر سیره عقلائییه ای است که شرعاً از آن منع نشده است؛ بنابراین این سیره مذکور مورد تایید شرع می باشد.

اما اذان دادن شخص ثقه ای که آگاه به اوقات نماز است معرف حجیت آن است؛ زیرا از مصادیق خبر ثقه می باشد و همچنین به خاطر بعضی از نصوص خاصه، مانند صحیحه ذریح محاربی که می گوید: امام صادق (علیه السلام) به من گفت: با اذان آنها (اهل سنت) نماز جمعه بخوان زیرا آنها بیش از هر چیز بر وقت مواظبت می کنند.

Sco^۳: ۲۷: ۱۱

FG^۳

- | | | |
|--|---|------------------------------------|
| <p>۱. علم: حجیت آن ذاتی است</p> <p>۲. اطمینان: سیره عقلاء</p> <p>۳. بینه: روایات</p> <p>۴. خبر واحد ثقه: سیره عقلاء</p> <p>۵. اذان ثقه آگاه: ادله حجیت خبر ثقه و روایت</p> | } | راه های احراز وقت و دلیل حجیت آنها |
|--|---|------------------------------------|

چکیده

۱. مراد از نیمه شب، این است که زمان بین اذان مغرب تا اذان صبح را نصف کنیم به دو دلیل:

الف: وجدان عرفی

ب: صحیحه مزارم

۲. اگر قبل از احراز دخول وقت، نماز خوانده شود باطل است به دو دلیل:

الف: قاعده اشتغال

ب: استصحاب

۳. دلیل حجیت علم آن است که حجیت آن ذاتی است.

۴. دلیل حجیت اطمینان، سیره عقلاء است .

۵. دلیل حجیت بینه، روایات است.

۶. دلیل حجیت خبر واحد ثقه، سیره عقلاء است.

۷. دلیل حجیت اذان شخص ثقه آگاه به وقت نماز به دو دلیل است:

الف: حجیت قول ثقه

ب: روایت خاصه .